نقش تاریخی امام حسین علیه السلام در احیای اسلام ناب

سیدرضا موسوی


بسم الله الرحمن الرحیم

نقش تاریخی امام حسین (علیه السلام) در احیای اسلام ناب

نویسنده:

رضا موسوی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نقش تاریخی امام حسین علیه السلام در احیای اسلام ناب

مشخصات کتاب

نویسنده : سید رضا موسوی

ناشر : سید رضا موسوی

چکیده

و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا و أوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوه و ایتاء الزکوه و کانوا لنا عابدین. [۱] .ما، ایشان (حضرت ابراهیم و فرزندان شایسته او) را امامانی قرار دادیم که به فرمان ما رهنمایی می کنند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و پرداختن زکات را به ایشان وحی نمودیم و ایشان، تنها ما را پرستش می کردند.در این مقاله چنانکه از عنوانش پیداست، هدف روشن نمودن مفهوم پیشوایی و پاسداری امام معصوم از دیدگاه اسلام است. در این مقال در بخش نخست کوشش شده است به اهمیت و عظمت عاشورای حسینی در کنار دو رویداد بعثت و غدیر در تاریخ اسلام و تشیع، و موضعگیری خودکامگان ستمگر و استعمارگران چپاولگر در طول تاریخ در مسخ و تحریف ماهیت نهضت مقدس عاشورا و پیام عاشوراییان اشاره شود و با توجه به برداشتهای غلطی که از سوی عوامزدگان و روشنفکران غربزده در معرفی امام و جایگاه او در امت اسلامی ارائه شده ضرورت امام شناسی درست برای نسل معاصر گوشزد گردد.با توجه به آیات و روایات رسیده به تبیین مفهوم صحیح امامت و ولایت و رابطه آن با نبوت و رسالت و مسئولیتهای امام در جامعه اسلامی در فرهنگ پویایی شیعه و اسلام اصیل پرداخته، و تأکید شد که امامت، اصل الاصول است و امام علاوه بر مقام معنوی ولایت تکوینی و فرمانروایی در طبیعت به اذن خدا، مسئولیت راهنمایی، رهبری و رهنمونی امت را به عهده دارد.امام به عنوان یک انسان تکامل یافته و برگزیده خدا ادامه دهنده راه انبیای عظام الهی

است. امام در عمل به عنوان علت مبقیه اسلام در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله امامت، وظیفه سنگین حفظ امت و پاسداری و احیای شریعت را در هر زمان، متناسب با مقتضیات و شرایط آن بخوبی انجام داده است.اختلاف سیره امامان و نیز شهرت هر یک به خصوصیت ویژه را می توان از تفاوت اوضاع سیاسی - فرهنگی و جو حاکم بر دوران این بزرگان شناخت و باید آن را در اصل «رعایت ضرورت و مقتضیات زمان» جستجو نمود.در بخش پایانی به بررسی حکم فقهی استقبال امام حسین (ع) از مرگ، و رفع شبهات وارده در این باب با تأکید به آگاهی امام از سرانجام کار، که رسیدن به فوز شهادت و احیای اسلام و ارزشهای اسلامی بود، پرداخته شد و سرانجام درسی که آن سالار شهیدان به همه دینداران داده بود یادآوری گردید که باید همه مصالح مادی و منافع شخصی را به دلیل ارزش والای دین در زندگی انسان، فدای دین نمود و این اشعار را زنده کرد که: «همه چیز برای دین نه دین فدای همه چیز».

پیش درآمد

خدای را سپاس که این توفیق را با ما رفیق کرد تا کام ما را با تربت پاک نخستین پاسدار اسلام گرفتند و بذر شهد عشق حسینی را در زوایای جان و اندیشه ناتوان ما پاشیده اند و در اولین روز ولادت، حس سپاس و ستایش ما را در برابر عظمت ابر مرد تاریخ بشریت حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) برانگیخته، محبت او و یارانش را در دل ما زنده نگاه داشتند.از حضرتش خاضعانه تمنا داریم که این احساسات پاک را نسبت به سرور و سالار شهیدان و جوانان

بهشت تا آخرین لحظات زندگی در امت شهیدپرور ما حفظ بفرماید و یاد و خاطره حسین (ع) و عاشورا را همواره در ذهم و زبان و قلم ما زنده و پویا نگاه دارد؛ چرا که حسین (ع) اگر بزرگترین شخصیت اسلامی نباشد قطعا شخصیت بزرگ اسلام هست و اگر چه عاشورای حسینی بزرگترین حادثه تاریخی نباشد، بی تردید حادثه بزرگ تاریخ اسلام و تشیع خواهد بود. عاشورا در تاریخ اسلام، رویداد عظیمی است که رسالت احیای همه آنچه را که انبیای الهی بویژه خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله (ص) برای بشریت به ارمغان آورده اند و در راه تبلیغ و نشر و تحقق آنها رنج هزاران زخم زبان و شمشیر را بجان خریدند، بر عهده دارد.اگر بعثت، روز بلوغ و تکامل عقل بشر، و غدیر، روز بلوغ حق و تکمیل دین باشد؛ عاشورا روز بلوغ حماسه جاوید اسلام و بحق روز درخشش خون و خورشید امامت است.حماسه تابناکی که همواره بزگترین ضربه کاری را بر پیکر خودکامگان ستمگر و استعمارگران چپاولگر، این دشمنان دیرین اسلام و انسان فرود آورد و به همین دلیل از گذشته های دور یعنی فردای همان روز تا امروز این حادثه آماج تیرهای زهرآگین تحریف تاریخی قرار گرفته است.این مارهای زخم خورده با خارجی معرفی کردن قهرمان کربلا و سوء استفاده از اعتقاد به قضا و قدر الهی، به مسخ ماهیت پیام و آرمان عاشورا همت گماشته اند.به دلیل اهمیت و حساسیت و عظمت این حادثه غم انگیز بود که پیامبران الهی از حضرت آدم صفی الله تا خاتم النبیین (ص) پیش از پیشامد این فاجعه بزرگ بشری و تحقق عاشورا در عینیت تاریخ در

فرصتها و مناسبتهای مقتضی به پیشگویی و بیان عظمت عاشورا و شخصیت والای حضرت امام حسین (ع) و موقعیت امام سوم شیعیان در خاندان پیامبر، و شکوه مقام او و همراهانش در کربلا ـ و نیز دوستان و پیروانش در پیشگاه خدا و پیامبر (ص) پرداخته و پیشوایان معصوم ما نیز قبل و بعد از آن حادثه به سوگ نشسته اند. [۲] .خود امام حسین (ع) هم در ضمن وصیتنامه تاریخی سیاسی خویش به برادرش محمد حنفیه در مدینه و سخنرانیها آموزنده خود از مدینه تا کربلا هدفها و برنامه ی الهی خویش را در این قیام مقدس بازگو، و تا اندازه ای از پیش این توطئه شوم را خنثی کرد.پاسداران فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت در زمینه معرفی چهره واقعی عاشورا تلاشهای فراوانی کرده، و آثار گرانسنگی درباره تحلیل نهضت حسینی از خود به یادگار گذاشته اند؛ اما در وضعیت کنونی، که بار دیگر به برکت راهپیماییهای عاشورا و اربعین حسینی و دستجات عزاداری و مجالس حسینی انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسیده و دشمن در جنگ نظامی شکست خورد، اکنون هجوم و به تعبیر مقام معظم رهبری دام ظله العالی، شبیخون فرهنگی را آغاز کرده است؛ لذا بر همه آگاهان و نویسندگان اسلامی، که بار مسئولیت حراست از فرهنگ پویای تشیع و میراث گرانبهای اسلام رو به رشد پایا و سازنده را به دوش می کشند، فرض است که به پیروی از پیشوایان شیعه در حفظ و احیای نهضت مقدس عاشورا و پیام و آرمان اصیل حسین (ع) و یاران باوفایش در کربلا بکوشند؛ چنانکه بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی قدس سره می فرمود:

«کربلا را زنده نگه دارید و نام مبارک حضرت سید الشهدا را زنده نگه دارید که با زنده بودن او اسلام زنده نگهداشته می شود.عاشورا را زنده نگه دارید که با زنده نگه داشتن عاشورا کشور شما آسیب نخواهد دید.» [۳] .

ضرورت امام شناسی در عصر حاضر

امام شناسی همچون خداشناسی، پیامبرشناسی و معادشناسی زیر بنای اندیشه انسان مسلمان را تشکیل می دهد؛ چنانکه در حدیث متواتر نبوی آمده: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه» هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. [۴] .در منابع برادران اهل سنت نیز آمده: من مات بغیر امام مات میته جاهلیه. [۵] .هر کس بدون پیشوا بمیرد مانند آن است که در جاهلیت مرده است.مرگ جاهلیت یعنی مرگ پیش از اسلام، که مردم عربستان بت پرست و مشرک بودند و در آتش جهل و نادانی می سوختند. امام صادق (ع) بنیانگذار مذهب حق جعفری در ضمن حدیثی خطاب به محمد بن مسلم، انسانی را که امام زمانش را نشناخته به گوسپندی که شبان و گله ی خود را گم کرده باشد تشبیه می کند و می فرماید: و الله یا محمد من أصبح من هذه الامه لا امام له من الله جل و عز ظاهرا عادلا أصبح ضالا تائها و ان مات علی هذه الحاله مات میته کفر و نفاق. [۶] .ای محمد به خدا سوگند هر کس از امت اسلامی صبح کند در حالی که امام و رهبر ظاهر و عادل از جانب خدای پیروز و با شکوه نداشته باشد در گمراهی و سرگردانی صبح کرده، و اگر با چنین حالی بمیرد مرگش با کفر و نفاق است؛ یعنی اسلام

منهای امام ارزشی ندارد!اسف انگیز این استکه با این همه تاکید پیشوایان معصوم بر اهمیت و ضرورت شناخت امام در جوامع اسلامی، امام شناسی از آغاز ظهور اسلام تا کنون در بین دو گرایش تند و کند نادرست در هاله ای از ابهام باقی مانده است.۱- گرایش افراطی ناشی از عوامزدگی متحجران و غلات متعصب، که امام را فوق انسان و وجود مقدس نورانی غیر قابل شناخت و همسان خدا می پندارند البته آنچه در تعبیرات شاعرانه امام را تا مرز خدایی پیش می برند حسابش از این مقوله جداست مثلاـ به امام شافعی نسبت می دهند که درباره امام علی (ع) اینچنین سروده است:کفی فی فضل مولانا علی وقوع الشک فیه أنه اللهو مات الشافعی و لیس یدری علی ربه ام ربه الله [۷] .شاعر فارسی زبان معاصر ما مرحوم شهریار نیز تقریبا همین مضمون را به نظم کشیده و می سراید:علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که بما سوی فکندی همه سایه ی هما رانه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را۲- گرایش تفریطی متاثر از روشنفکر زدگی و روحیه لاابالیگری که امام معصوم را همانند رهبران عادی، و مسئولیت امامت امت را به زمامداری و مدیریت سیاسی جامعه محدود دانسته، حتی معجزات و کرامات این اولیای خدا را توجیه و تفسیر مادی و طبیعی می کنند.خوشبختانه خود امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) در سخن حکمت آمیز خود هر دو گروه را به دلیل نادرستی پندارشان محکوم به نابودی می شمارد و می فرماید: یهلک فی رجلان: محب مفرط و باهت مفتر. [۸] .دو کس در عقیده به من هلاک می گردند: دوستدار گزافکار تندرو و

دروغپرداز دروغگو!متاسفانه در دوره کنونی به دلیل دلباختگی نسل معاصر به زرق و برق مادی غرب و ضعف آگاهی مذهبی جوانان و تعصب جاهلانه برخی خودباختگان، اینگونه برداشتهای غلط در مفاهیم دینی بیش از پیش به چشم می خورد هم در معارف عقیدتی نظیر مساله وحی و نبوت، امامت و شفاعت، قضا و قدر، انتظار، دعا و بهشت و جهنم و هم در مسائل اخلاقی مانند: زهد، صبر، قناعت، توکل، تقیه و عزاداری و... که به عنوان یک جریان خطرناک در اظهارات و نوشتارهای برخی از معاصران رخ می نماید که قابل تامل است و اکنون مجال بیان تفصیلی آن در این مقال نیست.اینان ناآگاهانه و یا مغرضانه چهره امام حسین (ع) و زین العابدین علیهماالسلام را در جو عوامزدگی، عناصری ناتوان و بیمار و اشکبار و حرکت مکتبی آموزنده و سازنده عاشورا و پیام آوران عاشورا را تنها وسیله گریه نظیر یک کپسول اشک آور و سبب بخشش گناهان می شناسند و گریه آورتر اینکه در تحلیل روشفنکر مآبانه نیز این اولیای خدا و حاملان وحی و الهام الهی و پاسداران فداکار دین را یک قهرمان معمولی و مجاهد انقلابی، و نهضت مقدس عاشورا را یک انفجار کینه های دیرینه، و جنگ قدرت بین دو قبیله و حزب معرفی می نمایند؛ در حالی که با مراجعه ای سریع به منابع غنی فرهنگ اسلامی و مروری کوتاه در آیات و روایات اهل بیت عصمت و طهارت معلوم می شود که امام، انسان کامل و مافوق است که همه حرکات و سکنات او منطبق با واقعیات و حقایق اسلامی و مصالح اسلام و مسلمین بوده، هیچگاه به فکر مصالح و منافع شخصی و پیروی

از هوا و هوس نیست.از اینرو در بررسی شخصیت و رویدادهای زندگی این بندگان صالح و شایسته خدا، و برگزیدگان الهی، باید به همه ابعاد وجودی اعم از بعد مادی و جسمانی، معنوی، روحانی، فرهنگی تربیتی و اجتماعی و سیاسی و مسئولیتهای الهی و مردمی و مقامات معنوی ایشان توجه کرد و در شناساندن امامان معصوم باید عینک عوامزدگی و روشنفکری را کنار گذاشت و با دیده بصیرت و چشم عقل و چراغ هدایت عترت پیامبر و خورشید فرزوان قرآن مقام واقعی امام را باید دید و یافت که امام از جنبه ی جسمانی همانند دیگران محدود به زمان و مکان و شرایط محیط انسانی و آموزشی معین است.اما از جنبه ی روحانی انسان تکامل یافته ای است که در سایه عبادت و بندگی خدا، و امدادهای غیبی، همه ی استعدادهای بالقوه ی انسانی در او به فعلیت رسیده و شکوفا شده و در پرتو علم لدنی و ایمان قوی به مبدأ و معاد و توفیق و تایید الهی به ملکه عصمت دست یافته و در ظل عنایات باری تعالی مرزهای زمان و مکان مادی را در هم شکسته و به مقام والای امامت و خلیفه اللهی رسیده است!

ولایت تکوینی امام معصوم

در بینش شیعه، امامت یکی از اصول پنجگانه اعتقادی و ضروری مذهب است که مقام ولایت ائمه (ع) رکن اسای آن را تشکیل می دهد و انکار آن باعث عدم پذیرش اعمال عبادی در پیشگاه خدا می شود که فرمودند: من لم یتولنا لم یرفع الله له عملا هر کس ولایت ما را قبول نداشته باشد، خداوند عملی را از او نمی پذیرد و بالا نمی برد. [۹] .در فرهنگ اسلام، ولایت مراتب و ابعادی

دارد:۱- بعـد عاطفی یا به تعبیر شـهید مطهری ولاء محبت که دوستی اهل بیت در قرآن کریم به عنوان مزد رسالت اعلام شـده است. قل لا أسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی (شوری آیه ۲۳).۲- بعد عملی یا ولایت دینی که علامه طباطبایی در کتاب شیعه در اسـلام از آن به مرجعیت علمی - فرهنگی تعبیر می کند که در قرآن آمده است: فأسـئلوا اهل الذکران کنتم لا تعلمون (نحل آیه ۴۳ و انبیاء آیه ۷) و ما یعلم تاولیه الا الله و الراسـخون فی العلم (آل عمران آیه ۷) که در عصر غیبت امام زمان (عج) فقیه اعلم جامع الشرایط به نیابت از امام (ع)، عهده دار ولایت تشریعی است.۳- بعد اجتماعی و سیاسی که شهید مطهری از آن به ولایت زعامت تعبیر می کنـد و در قرآن، اطاعت از ولی امر هماننـد فرمانبرداری از خدا و رسول معرفی شده است: أطیعوالله و أطیعـو الرسول و اولی الامـر منکم. (نسـاء آیه ۵۹) کـه این ولاـیت را در زمـان غیبت، ولی فقیه عـادل به عهـده دارد.۴- بعد ارشـادی و تربیتی که امام به عنوان الگو و میزان اعمال و انسان کامل و به تعبیر عرفا ولایت باطنی است که خداونـد در ترسـیم چهره ی عباد الرحمن یعنی بندگان شایسـته ی خدا می فرماید: و الذین یقولون ربنا... و اجعلنا للمتقین اماما (فرقان ۷۵).۵- بعد معنوی که به آن ولاـی تصـرف و ولایت تکوینی می گوینـد و برترین ابعاد ولایت ائمه است که در قرآن کریم آمـده است: و جعلنـاهم ائمه یهـدون بامرنـا لما صبروا و کانوا بآیاتنا یوقنون. (سـجده آیه ۲۴) ایشـان را پیشوایـانی قرار دادیم که به فرمـان ما هدایت

می کننـد چون پایـداری کردنـد و اهل یقین بودنـد.در پرتو مقام الهی است که امام می توانـد در عالم تکوین و طبیعت به اذن خدا فرمانروایی کند و همه قوانین حاکم و اسـباب عالم را در تسـخیر و تصـرف خویش درآورده و با اراده و مشـیت الهی از او کار خدایی سـر می زند، و یارای آن را دارد که با اعجاز و کرامت در زمان حیات یا ممات ظاهری درد بی درمان را شفا دهد و آتش را سـرد کند و نیروی جاذبه زمین را از کشـش بازدارد و هسته خرما را به سرعت بارور، و نقش شیر روی پرده را زنده سازد.در ظل وجود با برکت او، حیات و افاضه فیوضات الهی به خلق ادامه یابد که فرمودند: لو لا الحجه لساخت الارض باهلها امیرالمؤمنین (ع) به شـاگرد برجسـته اش کمیـل می فرمایـد: اللهم بلی لا تخلوا الارض من قائم لله بحجه اما ظاهرا مشـهورا و اما خائفا مغمورا لئلا تبطل حجج الله و بيناته... [۱۰] بار الها آری زمین هیچگاه از حجت خدا (انسان کامل) خالی نیست. یا آشکار است و مشـهور، یـا ترسـان و در تیرگیهـای ظلم و سـتم پنهـان تـا حجتهـا و دلائل روشن از بین نرود... و این همان معناست که عارفـان اهل معرفت از آن به قطب عالم امکان و ولی کامل تعبیر می کننـد و روح کلی انسانیت است که بر همه روحها محیط است و وجود او به عنوان قلب هستی یک ضـرورت است و به گفته مولوی:پس به هر دوری ولیی قائم است تا قیامت آزمایش دایم است.

امامت آخرین سیر تکاملی بشر

برادران اهل سنت ما با توجه به معنای لغوی امام که همان پیشوایی و

مقتـدا بودن است و کـاربرد واژه امـام و جمع آن ائمه در قرآن کریم به همین معنـا نظیر آیـات: یوم نـدعوا کـل انـاس بامـامهم (اسراء ۷۱) فقاتلوا ائمه الکفر (توبه ۱۲) و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین (قصص ۷۳) و جعلناهم ائمه یدعون الی النار (قصص ۴۱) بدون توجه به آیات دیگر، مقام امامت امت را یک ضـرورت اجتماعی و رهبری سیاسـی و از احکام فرعی عملی دین می شمارند و تصدی این مقام مردمی را حق هر عالم عادل می دانند! و بر این باورند که به دلیل پیشگیری از اختلال نظام جامعه و حفـظ یکپـارچگی امت، اطـاعت از هر کس که زمـام امور جـامعه اسـلامی را در دست گرفت به عنوان ولی امر بر عموم مردم واجب است و به همین دلیل برای امام شـرطی جز اسـلام و عـدالت و مـدیریت و تـدبیر نمی شناسـند؛ در حالی که در فرهنگ شیعه، اصـل امـامت یکی از اصول اعتقـادی و یـک منصب الهی است که بـا معرفی پیامبر (ص) و امام معصوم (ص) زمام امور دینی و دنیـایی مردم را در دست می گیرد، و مسـئولیت راهنمـایی و مرجعیت دینی، و رهبری و زعامت سیاسـی، و رهنمونی و امـامت مردم، و نگهبـانی و حراست دین، و سـرپرستی و ولاـیت جهـان هستی را به فرمان خـدا و به جانشـینی از پیامبر (ص) به عهـده دارد؛ چنانکه خواجه نصـیر الدین طوسـی در تعریف اسد و اخصـر خود می نویسد: «الامامه ریاسه عامه فی امور الدین و الـدنیا» امـامت، ریـاست همه جانبه بر امور دین و دنیاست.از این رهگـذر به اعتقاد شـیعه، مقام امامت از جهت ارزشـی، مقامی رفیعتر از منصب نبوت و

رسالت و آخرین مرحله سیر تکاملی انسان اسلام به شمار می آید، چه اینکه در آیه ی امامت می خوانیم: و اذا بتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن، قال انی جاعلک للناس اماما، قال و من ذریتی؟ قال لا ینال عهدی الظالمین (بقره ۱۲۴) ای پیامبر به یادآور هنگامی را که پروردگار، ابراهیم (ع) را به آزمونها آزمود و بخوبی از عهده ی امتحانات برآمد، خداوند فرمود تو را برای مردم امام قرار دادم. او گفت: از نوادگانم نیز به امامت می رسند؟ خداوند فرمود عهد و مقام من به ستم پیشگان نمی رسد!چنانکه می دانیم حضرت ابراهیم قهرمان توحید نیای پیامبر ما و از انبیای اولوالعزم و شخصیت ممتاز دینی است که نام او ۶۹ بار در ۲۵ سوره قرآن کریم به عظمت و نیکی یاد شده است و به بیان این آیه خداوند حکیم پس از سربلندی آن حضرت از بوته ی آزمایشهای سخت جان و مال و فرزند و اظهار لیاقت و شایستگی پس از سالیان درازی که دارای مقام عبودیت، نبوت، رسالت، و خلت در پیشگاه خدا بود به مقام والای امامت مفتخر می شود. چنانکه امام صادق (ع) می فرماید، ان اله اتخذ ابراهیم عبدا قبل أن یتخذه نبیا و ان الله اتخذه نبیا قبل ان یتخذه رسولا و ان الله التخده رسولا قبل ان یتخذه خلیلا و ان الله اتخذه خلیلا قبل ان یتخذه اماما فلما جمع الاشیاء قال: انی جاعلک للناس اماما. [۱۱] .در پایان آیه، خداوند اعلام می فرماید که امامت عهد من است و به گناهکاران واگذار نمی شود و تنها نوادگان معصوم ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام شایسته این مقام الهی خواهند بود.این مقام همان منصب الهی

رهبری همه جانبه ی مادی، معنوی، جسمی، روحی ظاهری و باطنی انسان پاکباخته و امام است که در علم کلام شیعه با قاعده لطف، ضرورت وجود او در هر زمان اثبات و انتصابی بودن او از ناحیه ی خدا و عصمت و افضل بودن و برتری او در همه کمالات بشری و داشتن قدرت اعجاز از شرایط اصلی احراز این مقام است که با حضور و ظهور امام معصوم هیچکس بدون اجازه او حق حاکمیت بر مردم را ندارد.

استمرار حرکت انبیا در پرتو امامت

در باور مذهب پویای تشیع امامت ادامه ی راه انبیاء و مکمل دین و شریعت و متمم اصل نبوت به حساب می آید که مسئولیت بیان احکام دین و تبلیغ وحی و قضاوت و حاکمیت بر سرنوشت مردم و اجرای احکام و حدود الهی را به دوش می کشد و تفاوت نبی و رسول و امام این است که پیامبران در مقام نبوت تنها پیام حق را از راه وحی دریافت و از آن خبر می دهند و در مقام رسالت با بشارت و انذار همانند واعظ و مبلغ دلسوزی پیام الهی را تنها به مردم ابلاغ می کنند؛ اما در مقام امامت از راه تشکیل حکومت عدل یا بدون آن پیامها و برنامه های الهی را به مرحله اجرا درمی آورد. در واقع منصب امامت جایگاه عینیت و تحقق بخشیدن همه ی برنامه های سعادت آفرین آفریدگار جهان در جوامع انسانی است.امام تنها وظیفه ی هدایت تشریعی به معنای ارائه طریق و رهنمایی که در نبوت و رسالت وجود دارد به عهده ندارد، بلکه به حکم قاعده لطف، بار مسئلیت ایصال به مطلوب و رساندن نفوس آماده و مستعد را به سر منزل مقصود با هدایت به

امر و ولایت تکوینی به عنوان راهبر و رهنمودن به دوش می کشد. البته پیامبران اولوالعزم همانند پیامبر ما هم نبی نبودند و هم رسول، هم امام، و شماری از پیامبران الهی امام نبودند چنانکه ائمه ی ما امامند و نبی نیستند.شیعیان، پیامبر اسلام را خاتم النبیین و پایان بخش سلسله ی نبوت و رسالت الهی و نزول وحی می دانند. ولی به حکم عقل، خاتمیت را ختم رهبری و راهنمایی الهی تلقی نمی کنند، زیرا فراهم نمودن شرایط و امکانات را برای رسیدن همه انسانها در همه زمانها به کمال لایق خود و مطلوب خدا عقلا و شرعا بر خداوند حکیم علیم خبیر لازم می شمارند.اذ مقتضی الحکمه و العنایه ایصال کل ممکن لغایهحضرت رضا (ع) در معرفی امام می فرماید: ان الامامه زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزالمؤمنین ان الامامه اس الاسلام النامی و فرعه السامی بالامام تقام الصلوه و الزکاه و الصیام و الحج و الجهاد و توفیر الفیی ء و الصدقات و امضاء الحدود و الاحکام و منع الثغور و الاطراف. [۱۲] .امامت زمام دین (تعیین کننده مسیر) و باعث نظم مسلمین و اصلاح زندگی دنیا و موجب عزت مؤمنان است. امامت بنیان اسلام رو به رشد و پرورش دهنده ی انسانها و فرع عالی آن است و با امامت نماز، روزه، زکات، حج و جهاد پایدار و تمام می شود. بواسطه امام مالیاتهای اسلامی فراوان گردد، به برکت امام حدود و مقررات دینی اجرا و از مرزها و نواحی کشور پاسداری می شود.

غدیر روز اکمال دین و خاستگاه امامت

حساسترین فراز تاریخ اسلام یعنی حماسه ی غدیر، روز معرفی امام نخستین شیعیان حضرت علی (ع) به دست مبارک پیامبر اسلام به جانشینی خود در

قرآن کریم چنین توصیف شده است: الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون. الیوم أکملت لکم دینکم و اتممت علکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا...امروز (با تعیین امام و جانشین) کافران از نابودی دین شما نومید شدند، پس از آنها نترسید و از مخالفت راه و هدایتگری من پروا کنید. امروز دین شما را کامل نمودم و نعمتم را بر شما به پایان رساندم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم. (سوره ی مائده آیه ی سوم).گر چه در بین مفسران قرآن اختلاف وجود دارد که این روز سرنوشت ساز چه روزی است. آیا بعثت یا روز فتح مکه است و یا عید غدیر و جشن ولایت که پیامبر (ص) در حجه الوداع و در آن هوای گرم و وضعیت اقلیمی سخت، دست پرورده و پسر عموی فداکار و نخستین مرد مسلمان، امیرالمؤمنین را به عنوان مولا و سرپرست امت اسلامی منصوب فرمود (مشروح این حادثه را باید در کتاب گرانسنگ الغدیر اثر سترگ علامه امینی مطالعه کرد.).جالب است که در تفسیر کبیر فخر رازی و روح المعانی آلوسی و المنار رشید رضا، که از تفاسیر معروف اهل سنت هستند، ضمن تفسیر آیه ی اکمال آورده اند که پس از نزول این آیه حضرت محمد (ص) بیش از ۸۱ روز عمر نکرد و با توجه به اینکه وفات پیامبر (ص) به نقل مورخان و محدثان اهل سنت روز دوازدهم ربیع المولود بود و دو ماه از مجموع سه ماه ذیحجه و محرم و صفر هم ۲۹ روز محاسبه شود که در نجوم معمول است، آن روز هیجدهم ذیحجه و عید غدیر خواهد بود. [۱۳] .خداوند

حکیم در این کلام نورانی جایگاه امامت را در قرآن با چهار زاویه زیبا بیان می کند که عبارتند از: یاس کفار ضد دین، اکمال دین، اتمام نعمت و رضایت به اسلام امت. زیرا اسلام تا روز غدیر به منزله نوزاد تام الخلقه ای بود که باید در گذر زمان و در سایه مراقبت و حفاظت مربیان دلسوز به رشد و بالندگی خود ادامه دهد و به کمال لایق و مطلوب خود برسد تا به عنوان دینی کامل و جامع و جهانی و جاودانی پایدار و پویا بتواند همگام با نیاز و مقتضیات زمان، مردم را اداره کند.اسلام تا آن روز اگر چه به عنوان یک قانون اساسی آسمانی با حضور پیامبر (ص) کامل بود که این خطر فرصت طلبان هواپرست و تحریف و تضعیف آن به دست کفار و معاندان جدی بود که این خطر با ابلاغ امامت رفع شد و با تحقق آخرین فرمان الهی به دست آخرین پیامبر (ص) که فرموده بود: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربلک فان لم تفعل فما بلغت رسالته. در شصت و هفتمین آیه آخرین سوره منزله به اتفاق و یقین یعنی مائده، هدف و غرض از فرو فرستادن کتابهای آسمانی و پیامبران، که همان هدایت و پیشگیری از انحرافات بشر و اجرای عدالت و قسط به مردم بود، تامین شد؛ زیرا به گفته راغب اصفهانی: کمال الشی ء حصول ما فیه الغرض منه. [۱۴] .کمال هر چیز دستیابی به هدف مطلوب و رسیدن به مقصود نهایی آن چیز است.دین کامل نظیر ساختمان یا نماز، وقتی کامل است که دربردارنده ی همه اجزا و عناصری باشد که خواص

و آثـار مطلوب و مورد نیـاز را تـامین کنـد اسـلام منهای امام هماننـد بنا و نماز ناتمام و ناقص است که با معرفی امام به دسـت مبارک پیامبر عظیم الشان اسـلام، دین اسـلام به مرز کمال و تمام رسـید و بنای رفیع اسـلام رنگ ابـدیت یافت و مرضـی الهی قرار گرفت که خداوند در آغاز همان را می خواست و تفاوت اکمال و اتمام با یکدیگر اختلاف کیفی و کمی است. [۱۵] .

امامان شیعه یا پاسداران دین

امـام به عنـوان جانشـین معصـوم پیـامبر (ص)، الگـو و نمونه مجسم اسـلام واقعی و برترین رهـبری است که در انـدیشه و عمل هیچگاه دچار اشـتباه و خطا نمی گردد؛ در سایه ی الهامات غیبی و علم لدنی سـرشار به عنوان انسان کامل و کارشناس اسلام، افزون بر تفسـیر قرآن و تبیین سـنت پیـامبر (ص) بـا بیان و اجرای احکام به پاسـداری از دین الهی و اسـتمرار راه انبیا همت می گمارد.آشـکارترین ابعاد وجودی امام پس از مقام باطنی، ولایت کلیه پاسداری از دین و ارزشـهای اسلامی است، و بحق علت مبقیه اسـلام را در طول تاریخ، امامت تشـکیل می دهد. چه در طول تاریخ هزار و چهار صد ساله امامت، متاسـفانه امامان شیعه به دلیـل ناآگاهی مردم و دنیاپرستی برخی از مسـلمانان و سوء اسـتفاده فرصت طلبان و بیش از همه احساس مسـئولیت آنان در حفظ دین و مسـلمانان، تنها دو امام همام حضـرت علی و امام مجتبی علیهماالسلام حدود ۵ سال و ۶ ماه زمام حکومت ظاهری و رهبری سیاسـی را در دست داشـته انـد؛ ولی همه امامان با وجود بر کنار بودن از مرکز قدرت همواره به عنوان قطب و محور سیاسی مذهبی نقش پاسداری، تعلیمی

و ارشادی خود را در جامعه ی اسلامی به خوبی عهده دار بوده اند و همیشه بیت، محبس و تبعیدگاه و بازداشتگاه این بزرگان مرکز آگاهیهای سیاسی، و مبدأ نهضتهای اصلاحی، و پایگاه پیشگیری از انحراف خلفا و تحریف حقایق دینی و دفاع از اسلام معروف بوده است.موضعگیری سیاسی امامان معصوم در برابر قدرتهای نامشروع و زمامداران خودسر اموی و عباسی جالبترین ابعاد زندگی ایشان را تشکیل می دهد؛ چه اینکه از نظر عقیدتی امام همانند سایر افراد، بنده خدا و مکلف به مقررات شرعی و تکالیف دینی است که با توجه به مقام امامت و پیشوایی امت، وظایف سنگین خود را با موازین عادی باید انجام دهد و بیشترین تلاش را در راه احیای شریعت و حراست از دین به کار بندد و همانند دیگران، خیر و شر و نفع و ضرر و مصالح و مفاسد امور را با علم عادی می سنجیدند و مو به مو احکام و اخلاق اسلامی را پیاده و اجرا می کردند و به دلیل همین دیدگاه همه گفتار و رفتارها و سکوت و تأیید دیگران به عنوان سنت ولوی و سند بیانی و عملی و تقریری، برای شیعه حجت و اعتبار شرعی دارد و اطاعت بی چون و چرا و پیروی از فرمان امام بر همگان واجب و مخالفت با او، گناه کبیره و نابخشودنی است؛ چنانکه امام هشتم در بخشی از حدیث مفصل درباره امامت می فرماید: الامام امین الله فی ارضه و حجته علی عباده و خلیفته فی بلاده الداعی الی الله و الذاب عن حرم الله. [۱۶] .

ضرورت زمان و پیشوایان ما

پیشوایان معصوم با توجه به وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه و مقتضیات

زمان خود مسئولیت سنگین امامت مردم و حراست و پاسداری از دین را در هر عصری به خوبی انجام داده اند. منشأ اصلی تفاوت سیره امامان معصوم را باید در محیط خاص زندگی اجتماعی و فرهنگی و جو حاکم بر سرنوشت جامعه معاصر آن امامان جستجو کرد که تا چه حد و در چه جهت و بعدی برای رسیدن به هدف، که همان حفظ اسلام و مسلمین بود، به امام (ع)، امکان عمل به تکلیف و فعالیت می داد. زمانی مقتضی صلح و سکوت و دورانی مقتضی جنگ و جهاد و دوره ای فرصت تلاش آموزشی و هنگامی دیگر ایفای نقش ارشاد و تربیت و بالاخره عصری مقتضی پرتوافشانی خورشید امامت از پس ابر است.آری امامان شیعه همگان هدفی مشترکی داشتند و نور واحدی بودند که همچون آفتاب عالمتاب در محدوده ضرورت زمان، متناسب با ظرفیت و استعداد محیط بر پنجره های الوان وجود نور افشانی و بلکه در راه وصول به آرمانهای الهی جانفشانی می کردند.این است راز آنکه در ذهن و زبان شیعیان حضرت علی (ع) به عنوان سمبل عدالت و شمشیر و حکومت، و حسن (ع) مظهر صبر و صلح، و حسین (ع) سیدالشهداء، و الگوی شجاعت و فداکاری، و امام سجاد (ع) زین العابدین نمونه مبارزه در سنگر نیایش، و امام باقر العلوم (ع) به شکافنده دانشها، و امام صادق (ع) به احیاگر تشیع، در حدی که فرقه نجاتبخش امامیه را جعفری می خوانند، شهرت یافته اند.این اشتهار به خصوصیت ویژه، بیانگر محیط خاص زندگی سیاسی - فرهنگی امام و روشنگر نقش ضرورتهای محیطی در ایفای مسئولیتهاست، زهی تأسف که برخی از کج اندیشان بدون توجه به عنصر

زمان و مکان و شرایط و مقتضیات محیط، رفتار حسین (ع) را تخطئه و امام حسن (ع) را عنصری سازشکار و امام حسین (ع) را عنصـری شورشگر معرفی می کنند! در حالی که این دو برادر در دوره دهساله امامت ظاهری خود درست راه پیامبر و علی (ع) را در دو مقطع از دوران زندگی پیموده اند. مگر نه این بود که پیامبر (ص) در دوران ۱۳ ساله مکه راه صلح و سکوت، و پس از هجرت به مـدینه راه جهاد با کفار را در پیش گرفت و نیز امام علی (ع) ۲۵ سال پس از رحلت پیامبر (ص) سکوت باشکوه، و در دوران خلافت پنجساله نبرد و جهاد با معانـدان را پی گرفت.امام مجتبی (ع) نیز در شـش ماه نخست دوران امامت پیروی از پدر و جدش شمشـیر کشـید و در سالهای دیگر راه صـلح را پیمود حتی امام حسین (ع) در آغازدوره امامت ۹ سال در برابر معاویه راه صبر و سکوت را پیمود و تنها در دوران ۶ ماهه خلافت یزید نبرد مسلحانه با سلاح خون و شمشیر را آغاز و نهضت مقـدس عـاشورا را در کربلا پدیـد آورد؛ زیرا امام حسـین (ع) در آن روزگار سـیاه برای احیای اسـلام و سـیره نبوی و علوی و احیای ارزشـهای اسـلامی بزرگترین سـلاحی که در اختیار داشت خون و جان بود که بر فرق دشـمن کوفت و از این جانبازی، حماسه جاوید و پیام جاودانه ای پدید آورد که خونبهای همه آزادمنشـی و آزادگیها در گستره تاریخ شد:حسن اگر بنشست و حسین اگر برخاست بقای دین خدا شد از این قیام و قعودامام با انتخاب آگاهانه جهاد و

شهادت، احساس مسئولیت، علم و عصمت و اصابت نظر خود را به جهانیان اثبات کرد؛ زیرا شهادت حسین (ع) و یاران باوفای او مظلومیت و حقانیت اهل بیت (ع) را مسجل ساخت و در نتیجه آن مردم پس از مدتها کناره گیری از عترت پیامبر (ص) بار دیگر پس از واقعه عاشورا به خانه امام باقر (ع) و صادق (ع) رو آوردند و مکتب پویای تشیع یعنی اسلام ناب و دست نخورده را مجددا احیا کردند.با جانبازی امام و یاران او حرکت ارتجاعی جاهلی امویان خنثی و ارزشهای فراموش شده در جامعه اسلامی احیا گردید و به تعبیر شاعر معاصر، مرحوم دکتر قاسم رسا خراسانی:ای اشک ماتمت به رخ ملت آبرو وی از طفیل خون تو اسلام سرخرواسلام زنده کردی خود گشته ای شهید برده است نام و یاد تو دین نبی جلوگر آب را به روی تو بستند کوفیان آوردی آب رفته اسلام را به جواز این رو می توان نتیجه گرفت در پیدایش و گسترش اسلام واقعی، رویدادهای بعثت و غدیر و عاشورا نقطه های عطف تاریخی مهمی به شمار می آیند؛ چه غدیر خم در واپسین حج پیامبر (ص) در سرزمین جحفه همانند نخستین روز نزول قرآن و بعثت پیامبر در جبل الرحمه خاستگاه بعثت امامت، در امتداد بعثت نبوت بود و فاجعه غم انگیز عاشورای محرم سال ۶۱ هجری نیز روز تجدید خاطره و احیای این دو و نهضتهای آزادیبخش اسلامی در سرزمینهای اسلامی گردید و به بهانه خونخواهی و حمایت از عاشوراییان انقلابهای نجاتبخش آغاز شد و به برکت خونهای مقدس دودمان علی (ع) به ثمر رسید که آخرین آنها انقلاب اسلامی ایران بود.

آگاهی امام حسین از شهادت و استقبال از آن

هر فرد

منصف و آگاه با اندک تأملی در منابع روایی شیعه مانند کافی کلینی (ره) و کتب صدوق (ره) و ارشاد شیخ مفید (ره) و اعلام الوری طبرسی (ره) و بویژه بحارالانوار علامه مجلسی (ره) که در جلد ۴۴ این دائرهالمعارف شیعه ص ۲۶۶ - ۲۲۳ حدود ۷۰ حدیث آورده، می یابد که در آنها به مساله شهادت امام حسین (ع) و سابقه آن اشاره شده و اخبار شهادت امام (ع) در سرزمین کربلا به دست امت ناآگاه از آغاز آفرینش حضرت آدم تا خاتم بر سر زبانها بود. پیامبر اسلام نیز بارها فرموده بود که:«ان امتی ستقتل ابنی هذا» امتم این پسرم را می کشند و اینگونه احادیث در آثار اهل سنت نظیر فصول المهمه ابن صباغ مالکی و تذکره الخواص سبطا بن الجوزی، نور الابصار شبلنجی و صواعق المحرقه ابن حجر نیز آمده است.افزون بر اینها علم غیبی امام از دیدگاه شیعه با احادیث متواتر اثبات شده است. ثقه الاسلام کلینی (ره) در کتاب شریف کافی ج ۱ ص ۲۵۸ بابی را تحت عنوان: «ان الائمه یعلمون متی یموتون» گشوده ونیز در ص ۳۳۹ در باب «مستسقی العلم من بیت آل محمد» روایاتی را درباره صحیفه موجود در نزد ائمه (ع) آورده که در آن سرگذشت آینده غمبار هر یک از خاندان پیامبر (ص) آمده است.بنابراین مسلم می نماید که امام حسین (ع) نه تنها از راه علم عادی اکتسابی بلکه از طریق علم غیب و لدنی به شهادت خود و حتی مکان شهادت نیز آگاهی داشته باشد. [۱۷] .با نگرش کوتاه به تاریخ عاشورا و برخورد و اظهارات حضرت سیدالشهدا (ع) از مدینه تا کربلا معلوم می شود نه

تنها خود آن حضرت به عاقبت کار، که رسیدن به فوز شهادت بود، یقین داشت، بلکه هواداران معمولی آنحضرت نیز این پیش بینی را می کردند که به عنوان نمونه برخی از سخنان آن امام همام در طول نهضت عاشورا یادآوری می شود:۱- به هنگام خروج از مدینه به ام سلمه همسر پیامبر، که نگران آن حضرت در عراق بود، فرمود، یا اماه انا و الله اعلم ذالک و انی مقتول لا محاله. [۱۸] ای مادر، اینها که از جدم بازگو کردی به خدا می دانم ولی بناچار باید کشته شوم.۲- در روز خروج از مدینه در نامه ای خطاب به جوانان بنی هاشم نوشت: بسم الله الرحمن الرحیم من الحسین بن علی الی بنی هاشم اما بعد فانه من لحق بی منکم فقد استشهد و من تخلف عنی لن یبلغ الفتح و السلام. [۱۹] هر کس از شما به من بپیوندد و با من آید شهید خواهد شد و هر که به همراهم نیاید هرگز به پیروزی نمی رسد.۳- به هنگام کوچ از مکه به سوی کوفه نیز در پاسخ کسانی که آن حضرت را از این سفر خطرناک منع و جلوگیری می کردند، فرمود: الحمد لله ما شاء الله و لا قوه الا بالله و صلی الله علی رسوله خط الموت علی ولد آدم مخط القلاده علی جید الفتاه و ما اولهنی الی اسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف. [۲۰] .سپاس ویژه خداست. هر چه خدا خواهد همان می شود و نیرویی جز به وسیله و کمک خدا نیست. درود خدا بر پیامبرش باد. مرگ برای فرزندان آدم (ع) با قلم تقدیر همانند گردنبند زیبا بر گردن دختران جوان نقش بسته و چه بسیار

مشتاقم به دیدار گذشتگان خود اشتیاقی چون شوق یعقوب به دیدار یوسف عزیز.۴- در ملاقات حر بن یزید ریاحی با امام در نزدیکی ذو حسم، که به آن حضرت هشدار داد، فرمود: أفبالموت تخوفنی! آیا مرا با مرگ می ترسانی! آنگاه به ابیات اویس، که پسر عموهایش او را از کشته شدن در رکاب پیامبر خدا برحذر می داشتند، تمثل جست و افزود:سأمضی و ما بالموت عار علی الفتی اذا مانوی حقا و جاهد مسلماو واسی الرجال الصالحین بنفسه و فارق مثبورا و خالف محرمافان عشت لم اندم و ان مت لم الم کفی بک ذلاـ أن تعیش و تزغما [۲۱] .من خواهم رفت که مرگ برای جوانمرد، وقتی نیتش حق باشد و در راه اسلام جهاد کند تنگ نیست. و در راه مردان صالح و شایسته جانبازی کند و از نابودشدگان جدا شود و به گنهکار پشت کند.پس اگر من زنده مانم پشیمان نیستم و اگر بمیرم سرزنش نمی شوم برای تو این خواری بس است که زنده مانی و زبون شوی.۵- در بامداد روز دوم محرم وقتی وارد سرزمین کربلا شد به همراهانش فرمود: انزلوا هیهنا محط رحالنا و مسفک دمائنا و هنا محل قبورنا. [۲۲] فرود آیند که اینجا ایستگاه شتران ما و جای ریختن خون ما و محل دفن ماست.۶- وقتی عمر سعد، پیام عبیدالله زیاد را، که کشته شدن امام در صورت امتناع از بیعت یزید بود، در سرزمین کربلا به آن حضرت رسانید، فرمود: لا أجیب ابن زیا دالی ذلک ابدا فهل هو الا الموت فمرحبا به. به درخواست ابن زیاد هرگز پاسخ مثبت نخواهم داد پس آیا جز مرگ چیز دیگری است پس

به مرگ خوشامد می گویم. [۲۳] .آری امام بر اساس مسئولیت الهی خود با انتخاب آگاهانه شهادت به نگهبانی قرآن و پاسداری اسلام و نجات مسلمانان همت گماشت و با استقبلا از مرگ در راه خدا به زندگی جاوید و فوز عظیم شهادت دست یافت و درس فداکاری در راه احیای دین و ارزشهای الهی را به همه پویندگان راه حق و حقیقت آموخت و به جهانیان اعلام کرد: فانی لا اری الموت الا السعاده و لا الحیاه مع الظالمین الا برما. [۲۴] .من مرگ را در راه خدا جز سعادت و زندگی با این اوضاع اجتماعی و سیاسی رقت بار جز مایه دلتنگی نمی دانم و به بیان خوشدل، شاعر معاصر:بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین استنه ظلم کن به کسی نی به زیر ظلم برو که این مرام حسین است و منطق دین است

درسی که حسین به مسلمانان آموخت

چنانکه می دانیم دین و مقررات آسمانی برای اداره زندگی است و همه شرایع الهی از جمله اسلام بزرگ به دلیل تأمین و حفظ مصالح پنجگانه زندگی انسانها در دنیا و تأمین خوشبختی انسان در دو جهان آمده اند که به اعتقاد حقوقدانان برجسته اسلامی به ترتیب اهمیت و ارزش عبارتند از: دین و عقیده، نفس و جان، مال و دارایی، نسب و ناموس و عقل خرد. [۲۵] .فلسفه اصلی همه دستورهای فقهی اعم از عبادات، معاملات و احکام و سیاسات و تضمین مصالح و منافع مربوط به این نیازهای زندگی مسلمانان، و هر فرد وظیفه شناس مکلف است حداکثر توش و توان خود را برای حفظ و نگهداری هر یک از این مقاصد پنجگانه

به کـار گیرد و در صورت مزاحمت هر کـدام از اینهـا با یکـدیگر به حکم قاعـده فقهی «اهم و مهم» بایـد مهم را فـدای مهمتر کرد.از اینرو باید گفت جهاد و شهادت در راه آرمانهای مقدس و دفاع از کیان و حیثیت دین بر همه مسلمانان واجب است؛ تا چه رسد به امام زمان که وظیفه اصلی او تبیین دین و پاسداری آن از گزند دشمنان دین است. چه اینکه در قرآن کریم بیش از صـد آیه در تحریض مؤمنان به جهاد و شـهادت شـده و در هیـچ آیه مشـروط و مقید به علم به پیروزی نشده است. پیامبر اکرم (ص) نیز در نبردهای نابرابر به جهاد فی سبیل الله و اسـتقبال از شـهادت پرداخت.هر چند نهی لا تلقوا در آیه وانفقوا فس سبیل الله و لاتلقوا بایدیکم الی التهلکه (بقره ۱۵۹) مطلق است و حرمت آن شامل خودکشی با سم خوردن و مانند آن می شود اما با توجه به شـان نزول آیه و قبـل و بعـد آن، منظور آن هلاـکت اخروی در ترک انفاق مال و جهاد با جان در راه دین است، و به اصـطلاح کشته شدن در راه دین خدا موضوعا از حکم القای نفس در تهلکه بیرون است و به تعبیر خود قرآن احدی الحسنیین (پیروزی یـا شـهادت) و بلکه حیات جاودانه است: و لا تحسـبن الـذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل أحیاء عنـد ربهم یرزقون (آل عمران ۱۶۹). بنابراین روشن شد که شـهادت حضرت امام حسین (ع) که پس از حمزه سیدالشهدا این لقب را سالار شهیدان از زبان پیامبر (ص) به خود اختصاص داد قطعا از مصداقهای القای

نفس در تهلکه نیست، بلکه سعادت جاودانی و فضیلت دائمی و حیات ابدی است و به گفته مولوی:آنکه مردن پیش چشمش تهلک است نهی لاـ تلقوا بگیرد او به دستامام (ع) به عنوان الگو و اسوه امت، شرافت دین را بر احترام جان و مال و عیال خویش مقدم داشت و برای بقای اسلام از زندگی موقت خود دست شست و به همگان آموخت که باید همه چیز خود را فدای دین خدا کرد، نه دین را فدای همه؛ که ارزش دین در زندگی انسان از هر کس و هر چیز بیشتر است.گذشت از سر فرزند و مال و جان و عیالش چو دید می نتواند گذشت از سر دینشبه همین دلیل بود که امام (ع) در آخرین لحظات عمر در حالی که بر بدن مطهرش اثر ۳۴ زخم شمشیر و ۳۳ زخم تیر و ۱۲۰ اثر طعن نیزه نمودار و شمر ملعون با خنجر برهنه روی سینه حضرتش نشسته بود به گفته او «فابتسم الامام» یعنی امام کفو و هماورد کریمی بود که بر مرگ لبخند رضایت زد. [۲۶] .آری در حین شهادت لبخند می زند به این دلیل که تا چند لحظه دیگر به ملاقات پروردگار نائل می شود و رضایت او را جلب می کند و با نصار خون پاکش پایه های حکومت ستمگران را می لرزاند و با جوشش خون او، که خون خدا بود، درخت تناور اسلام برای همیشه تاریخ بارورتر می شود و اسلام را زنده و عظمت و شوکت آن را تجدید می کند و سرانجام خرسند است به این دلیل که به وظیفه الهی خود در راه دفاع از دین جدش عمل کرده و درس

دینداری و فداکاری در راه دین خدا را به همه مسلمانان آموخته است و به تعبیر شاعر معاصر پارسی گوی:شمع می خندد و شوق رخ جانان دارد اشکها بین که از این خنده به دامان داردشمع از اشک و گل از ناله شود زیباتر خنده با دیده ی تر، جلوه دو چندان داردین چه رازی است خدایا که حسین بن علی لب پرخنده ولی دیده ی گریان داردبا این نیایش حسین (ع) این مقاله را حسن ختام می بخشم که می فرمود: اللهم انی احمدك ان اكرمتنا بالانبوه و علمتنا القران و فقهتنا فی الدین و جعلت لنا اسماعا و ابصارا و افئده فاجعلنا من الشاكرین. و به بیان مرحوم ابوالقاسم حالت:تسبیح تو گویم که مرا جان دادی پیغمبر و دین دادی و قرآن دادیما را ز پی شکر زبان نیز بده آنگونه که چشم و گوش و ایمان دادی [۲۷] .

پاورقی

[۱] قرآن مجید. سوره انبیا آیه ی ۷۳.

[۲] به کتابهای روایتی شیعه نظیر کافی و کتب شیخ صدوق و ارشاد مفید و مخصوصا بحارالانوار علامه مجلسی (ره) ج ۴۴ طبع جدید ص ۲۶۶- ۲۲۳ مراجعه کنید.

[۳] امام خمینی، قیام عاشورا در پیام و کلام امام، تهران موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ۱۳۷۳ ص ۹۵ و ۸۳.

[۴] شهید مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، قم، انتشارات صدرا ۱۳۶۸ ط ۱۰ ص ۵۸ از دلائل الصدق ص ۶ و ۱۳.

[۵] ماخذ پیش نقل از مسند احمد بن حنبل ص ۹۶ کنزالعمال ج ۱۰۳ خبر ۴۶۳ - ۴۶۳ و از طریق شیعه به بحارالانوار ج ۲۳ باب ۴ و اصول کافی ج ۱ باب من مات و لیس له امام...

مراجه فرمایید. ۴۶۴.

[۶] کلینی، محمدبن یعقوب،، الاصول من الکافی، بیروت، دارالتعارف ۱۴۰۱ ق ط ۴ ج ۱ ص ۳۷۵.

[۷] شریف رازی، محمد، چرا شیعه شدم تهران انتشارات فراهانی ص ۱۴۲.

[۸] الحدیث، گفتار حکیمانه تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ص ۴۷.

[۹] کلینی، محمد بن یعقوب. الاصول من الکافی بیروت، دارالتعارف ۱۴۰۱ ق ط ۴ ج ۱ ص ۴۳۰. [

[۱۰] صبحی صالح، نهج البلاغه امام علی (ع)، قم دارالهجره، حکمت ۱۴۷ ص ۱۹۷.

[۱۱] جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹ ج ۱ ص ۳۲۱.

[۱۲] شیخ صدوق، محمد بن بابویه عیون اخبار الرضا، تهران آخوندی ۱۳۷۴ ج ۱ باب ۲۰ حدیث نخست. تحف ۵۱۵.

[۱۳] تفسیر نمونه، تهران دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۹۶ ج ۴ ص ۲۶۷.

[۱۴] راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ماده ۱ م ص ۴۴۱.

[۱۵] شهید مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، قم، انتشارات صدرا ۱۳۶۸ ط ۱۰ ص ۱۲۰.

[۱۶] عیون الاخبار الرضا (ع) ص ۱۲۳ – ۱۲۰. امالی شیخ صدوق ص ۴۰۲- ۳۹۹. اکمال الدین صدوق ص ۳۸۳- ۳۸۰. تحف العقول ابن شعبه حرانی ص ۵۱۹ – ۵۱۳.

[۱۷] ر. ک. به علم امام و نهضت سیدالشهداء. به قلم علامه طباطبایی (ره) و کتاب شهید آگاه تالیف لطف الله صافی و منابع دیگر.

[۱۸] علامه مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار بیروت، افست ط ۱۳۷۴ آخوندی ۴۴ و اثبات الوصیه مسعودی ص ۱۲۶.

[۱۹] مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت افست آخوندی ج ۴۴ ص ۳۳۰ و کامل الزیارات محمد بن قولویه طبع نجف ۱۳۵۶ ق ص ۷۵ و لهوف سید بن طاووس ص ۲۵.

[۲۰] مثیرالاحزان ابن نماص ۲۱ و لهوف ابن طاووس ص ۳۵.

[۲۱] شیخ مفید، محمد. الارشاد الی معرفه حجج الله علی

العباد، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران علمیه اسلامیه ج ۲ ص ۸۲.

[۲۲] بلازدی، انساب الاشراف، بیروت ۱۳۹۷ ق ج ۳ ص ۱۷۱. و نجفی، محمد جواد، ستارگان درخشان تهران، اسلامیه ج ۵ ص ۱۰۹.

[۲۳] جعفریان، رسول حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی ج ۱ ص ۱۲۳ نقل از اخبارالطوال دینوری ص ۲۵۴.

[۲۴] ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول، قم ۱۳۹۴ ق ص ۱۷۴. مثیرالاحزان ابن نماص ۲۲ لهوف سید بن طاووس ص ۶۹.

[۲۵] فاضل سیوری، مقداد بن عبدالله، نضد القواعد الفقیهیه علی مذهب الامامیه، قم، مکتبه النجفی ۱۴۰۴ ق ص ۷ و ۶۲ و ابوحامد محمد غزالی المستصفی من علم الاصول، ج ۱، ص ۳۸۴.

[۲۶] امالی شیخ صدوق مجلس ۳۱ ج ۱، مروج الذهب مسعودی ج ۳ ص ۱۱ و قمقام الزخار ص ۴۶۵.

[۲۷] حالت، ابوالقاسم، کلمات قصار حسین، تهران، کتابخانه بهجت ط ۲ ص ۵۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹